

## ۱۲ فرهنگ نسبتاتاریخی

#### عطف

## مهم‌ترین کتاب پدرم

محمد رجبی دوانی

معتقد است همه آثار پدرش پژوهشی و دقیق هستند، از جمله کتاب مفاخر اسلام. وقتی از او می‌پرسیم مهم‌ترین شان کدام است، می‌گوید: «اثر بسیار مهم ایشان، کتاب ۱۱ جلدی «نهضت روحانیون ایران» است. خودشان هم همیشه

می‌گفتند که این کتاب را از همه

آثارشان بیشتر دوست دارند. بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی و بیش از نیم‌قرن از نهضت امام می‌گذرد و هنوز هم این کتاب یکی از معتبرترین و شاید بتوان گفت بهترین کتابی است که درباره انقلاب نوشته شده است. به نظر من هیچ‌یک از کتاب‌های پدرم به‌خوبی این کتاب، ویژگی‌های شخصیتی ایشان را که به‌برخی از آنها اشاره کردم و تشخیص‌های پژوهشی، نگارشی و ادبی ایشان را نشان نمی‌دهد.

غیر از روحیه استقلال و آزادیگی نویسنده، مهم‌ترین ویژگی این کتاب آن است که نگارنده خود پیوند محکمی با جریان روحانیت داشته و سعی کرده مشاهدات شخصی خود را بنویسد. روایت‌های صادقانه از رویداد‌های انقلاب در قالب نثری سهل و ممتنع، این کتاب را در بین تاریخ‌نگاری انقلاب بسیار برجسته کرده است. این کتاب ابتدا در ۲۰۰ صفحه منتشر و بعدها به ۱۱ جلد تبدیل شد!

بدیهی است که شجاعت علمی مرحوم پدرم هم در متمایز کردن آثار ایشان، به ویزهٔ این کتاب نقش بسیار مهمی داشته است. مورخان غالباً تلاش می‌کنند درباره تاریخ گذشته بنویسند که کسی مدعی نشود، ولی ایشان باکمال شجاعت درباره تاریخ معاصر می‌نویسند، بی‌آن‌که به فکر خوش آمدن و بد آمدن کسی باشند! خودشان در مقدمه کتاب می‌نویسند که چقدر بابت نوشتن این کتاب تحت فشار بوده و تهدید شده‌اند! این کتاب در میانه چاپ بود که به دلیل سعات برخی از دوستان، نزدیک بود چاپش متوقف شود و پدرم با تحمل مشقت‌ها و رنج‌های زیاد، کار را به نتیجه‌رساندند.

مرحوم پدرم بسیار عدالت‌خواه بودند و به همین دلیل اگر نسبت به کسی انتقادی داشتند، این امر سبب نمی‌شد که از خدمات او یاد نکنند و خوبی‌های او را نادیده بگیرند. بدیهی است این شیوه مورد پسند اکثر افرادی که اهل افراط و تفریط هستند، نبود، اما ایشان حتی اگر خودشان هم از کسی آسیب دیده بودند، در داوری نسبت به عملکرد او گرفتار افراط و تفریط نمی‌شدند. به همین دلیل تاریخ‌نگاری ایشان در دورانی که از افرادی دوست بودند، با دورانی که به دلایلی از آنها فاصله گرفتند، هیچ تفاوتی ندارد و هرچه را که دیده‌اند، صادقانه نقل کرده‌اند.

مصادق بازنش، مجاهدین خلق هستند که چه خواهیم چه نخواهیم در مقطعی در برانگیختن روحیه مبارزه در قشر جوان نقش داشتند. پدرم در کتاب نهضت روحانیون، دقیقاً هر چه را که در زندان‌ها بر آنان گذشته بود، نقل می‌کنند. البته همیشه می‌گفتند: اگر قرار بود تاریخ انقلاب را بنویسم، باید به اسامی شخصیت‌های دیگری هم اشاره می‌کردم، ولی هدف من نوشتن نهضت روحانیون بوده است. ایشان حتی اعلامیه‌های دکتر بقایی را هم در کتابشان آورده‌اند که اعتراض خیلی‌ها را برانگیخت، اما خود دکتر بقایی از پدرم تشکر کرد!

به اعتقاد پدرم، نقش روحانیون عمداً توسط بسیاری از مورخان نادیده گرفته شده است، در حالی‌که در طول تاریخ، مؤثرترین و کارآمدترین جریان سیاسی و اجتماعی بوده‌اند و در نهایت هم انقلاب اسلامی با همت آنان به ثمر رسید. پدرم احساس می‌کردند در تاریخ‌نویسی معاصر، روحانیت مظلوم واقع شده و مارکسیست‌ها، ناسیونالیست‌ها و فراماسون‌ها هر یک به سهم خود سعی کرده‌اند نقش روحانیت را وارونه جلوه بدهند یا کلاً نادیده بگیرند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری پدرم این است که امکان ندارد ایشان از مآخذی استفاده کرده و نام آن را نیاورده باشند. کسانی که ایشان را از نزدیک می‌شناختند، می‌دانند که ایشان حتی وقتی لطیفه‌ای را هم نقل می‌کردند، حتماً مأخذ آن را می‌گفتند و در این زمینه فوق‌العاده وسواس و حساسیت داشتند.



### ابتدا پایان ماجرا را بخوانید

در این صفحه این بار سـراغ آیت‌الله دوانی رفته‌ایم. منتها بگذارید همین ابتدا، ماجرا را از آخر شروع کنیم و روایت زندگی و زمانه دوانی را از پایان پی بگیریم. بنابراین، ابتدا این سطرها را بخوانید که پسر از واپسین روزها می‌گوید: «در روز آخر که عید غدیرخم بود، با همه کسانی که به دیدارشان آمده بودند، شوخی



محمد رضا دوانی

فرهنگ و هنر

در صدد است که گوشه‌هایی از خدمات و خصال علمی آن بزرگ را به مخاطب بنمایاند. امید آن‌که مقبول آید.

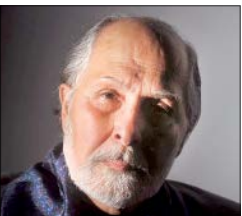
**«نی: شخصیت علمی و سیاسی و شیوه تاریخ‌نگاری مرحوم استاد علامه علی دوانی، سرشار از صراحت، صداقت و آزادی است. به نظر حضرت‌عالی این ویژگی‌ها، ناشی از کدام شیوه‌های تربیتی و خانوادگی اجتماعی هستند؟**

همان‌طور که اشاره کردید در میان ویژگی‌های برجسته شخصیتی پدرم، آزادی و استقلال رای و صداقت و صراحت و شجاعتی که ناشی از این ویژگی‌هاست، نمود و بروز درخشانی دارد. در مورد تاریخ‌نگاری دقیق و وثیق ایشان، باید به این ویژگی‌ها، حافظه بسیار قوی، نبوغ و مطالعات گسترده را نیز اضافه کرد.

سرزمین آبا و اجدادی ما «دوان» از ویژگی خاصی برخوردار بود و آن هم این‌که هیچ وقت فنودالی نبود و در آنجا خان وجود نداشت، بلکه کدخدا داشت که معمولاً مدیریت‌ن و قابل اعتمادترین فرد روستا بود و مردم خودشان او را انتخاب می‌کردند. مردم آنجا خرده‌مالک بودند و از خودشان آب و ملک داشتند، لذا به کسی وابسته نبودند. به همین دلیل افراد آزاده و مستقلی

#### سیدحسین نصر

### نصر گفته بود فکر می‌کردم پیرمردی



اولین کتاب پدرم تحت عنوان «جلال‌الدین دوانی» نخستین گام در زمینه‌نگارش کتاب تراجم شیعه به زبان همه‌فهم و غیرتخصصی و البته سهل و ممتنع است. این کتاب در عین‌حال که برای مردم عادل قابل فهم و مفید است، نزد صاحب‌نظران نیز اراج و قرب خاصی دارد. در دوران تحصیل، شرح عرشیه ملاصدرا نوشته هانری گرین و ترجمه دکتر سیدحسین نصر را می‌خواندم و دیدم که در حاشیه آن نوشته شده: به‌کتاب جلال‌الدین دوانی اثر محقق محترم آقای علی دوانی رجوع شود. پدرم می‌گفتند: «زمانی‌که تو به زندان افتادی و من ناچار شدم به دانش‌کده بروم، دکتر نصر وقتی مرادید باور نکرد که من نویسنده آن کتاب هستم، تصور کرده بود که یک پیرمرد آن تاب را نوشته و نه یک طایفه در سن بیست و دو سه سالگی».

کرده بودند. از این رو وقتی خبر رحلت ایشان را به افراد دادیم، همه حیرت کردند! مرحوم باستانی پاریزی به من گفتند: «فلانی! من به مرگ پدرت حسادت می‌کنم، مرگ بسیار خوبی داشت!»

عموی بزرگم نیز که خود انسان بسیار زاهد، وارسته و متعبدی بودند و پدرم

صلایت اراده ایشان را به‌خوبی نشان می‌دهد.

**«نی: در کجا تحصیل علوم حوزوی را آغاز کردند؟**

در نجف اشرف که آن هم حکایت خاص خود را دارد. ایشان همراه با عده‌ای از زوار به صورت قاچاقی با لنج کوچکی از طریق اروندرود، خود را به عراق و نجف می‌رسانند. ایشان در عراق، در سن نوجوانی، تک و تنها زندگی می‌کنند و درس می‌خوانند. می‌گفتند: آن زمان هر کاروانی که می‌آمد، برای همه طلاب پول و پیغام می‌آورد، غیر از من که هیچ‌وقت نه نامه‌ای داشتم، نه پیغامی!

**«چه مدت در نجف بودند؟**

پنج سال و به‌رغم غربت و تنهایی و فقر شدید، به قدری در درس درخشش داشتند که همه استادان فوق‌العاده به ایشان علاقه پیدا می‌کنند. در سال آخر اقامت، مادر و خواهرشان به نجف می‌آیند و از پدرم که در اثر سوءتغذیه و فشار درسی زیاد بیمار شده بودند، پرستاری می‌کنند!

**«چه شد که به ایران برگشتند؟**

پزشکان توصیه می‌کنند که به خاطر بدی آب و هوای عراق، باید به مناطق خوش آب و هواتری بروند و ایشان به ناچار به آبدان و نزد خانواده‌شان برمی‌گردند، ولی بعد از مدت کوتاهی راهی شهرهای مختلف ایران شدند و در جاهای مختلف به سخنرانی پرداختند و منبر رفتند.

**«ظاهر از دواج ایشان هم به شیوه سنتی و به‌خصوص براساس تصمیم خانواده نبوده است. این‌طور نیست؟**

همین‌طور است. ایشان خلاف سنت‌های خانوادگی و به‌خصوص رسم و رسوم آبا و اجدادی - که بزرگ‌ترهای خانواده و فامیل دخترها و پسرها را برای یکدیگر در نظر می‌گرفتند - زمانی‌که به ناهوند می‌روند، متوجه می‌شوند که آیت‌ا... احمد آل‌آقا ناهوندی از نوادگان علامه وحید

#### شیخ فضل‌ا... و جلال

### جلال مقاله پدرم را خواند و «غرب‌زدگی» را نوشت

یکی از شخصیت‌های مظلوم تاریخ معاصر، شهید آیت‌ا... شیخ فضل‌ا... نوری است که ظاهراً کسی غیر از مرحوم پدرم و جلال‌آل احمد جرأت دفاع از وی را نداشتند.

تاریخ‌نگاری معاصر از چهره این شهید بزرگوار، تصویری مخدوش و خائن ساخته بود. دفاع از شیخ فضل‌ا... نوری براساس دلایل متقن و مستندات قوی و با استناد به لوایح شیخ، اولین‌بار توسط پدرم صورت‌گرفت و پس از آن‌که جلال‌آل احمد با خواندن مقاله پدرم نطربش نسبت به شیخ تغییر کرده بود، کتاب غرب‌زدگی خود را نوشت و برای ایشان هم فرستاد. همان‌طور که اشاره کردم، پدرم علاقه بسیار زیادی به دفاع از چهره‌های مظلوم تاریخ داشتند و انصافاً در این زمینه پیشتاز بودند. این روحیه در احیای منابع تاریخی‌ای هم که عمداً به‌مآخذ را قرار نمی‌گرفتند، وجود داشت. مثلاً تا قبل از مقاله پدرم در جایی ندیده‌ام کسی به لوایح شهید شیخ فضل‌ا... نوری اشاره کرده باشد.

پدر در واکنش به بی‌مهری کسانی که از آثار ایشان استفاده می‌کردند و به‌خود زحمت‌اش را به مآخذ را نمی‌دادند، می‌گفتند: «وقتی کسی مثل حامد الگار در کتاب‌هایش به کتاب من به عنوان نخستین و معتبرترین سند استناد می‌کند، چه نیازی به دیگران دارم؟»



همیشه به تقدس و پاکی ایشان غیبه می‌خوردند و از یاران نزدیک شهید نواب صفوی محسوب می‌شد، می‌گفتند: «فوت پدر شما از حیات پرپراش هم تأثیرگذارتر بـود و خیلی‌ها را متحول کرد. این یعنی که ایشان زنده است و حضور دارد!»

بهبهانی فوت کرده و از ایشان دختری باقی مانده است. پدرم تصمیم می‌گیرند که با این دختر خانم ازدواج کنند و انصافاً یکی از سعادتمندانه‌ترین و پربرترین ازدواج‌هایی بود که صورت گرفت. مادرم تا آخرین دم حیات لحظه‌ای از پدرم غافل نبودند و فقدان ایشان بسیار برای پدرمان سنگین بود.

**«نی: تاریخ‌نگاری مرحوم دوانی تشخیص ویژه‌ای دارد. ویژگی‌های شیوه کار ایشان از نظر شما کدامند؟**

مرحوم پدر همان‌گونه که در زندگی شیوه مستقلی داشتند، در نگارش تاریخ و پژوهش هم به‌رغم احترام به تمام بزرگان این حوزه، از احدی پیروی نمی‌کردند و بسیار مستقل بودند. ایشان اصرار و تأکید داشتند که کار تکراری انجام ندهند و موضوعاتی که انتخاب می‌کردند، همه بکر و تازه بودند. ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که ایشان در واقع نخستین مبدع تاریخ فلسفه اسلامی هستند و تا آنجا که مطالعات بنده قد می‌دهد و نیز با پرس‌وجوهایی که از اهل فن کرده‌ام، پیش از ایشان، نه تنها کتاب‌که مقاله‌ای هم به زبان فارسی یا عربی در این زمینه نداریم که کسی به آنها استناد کرده باشد.

**«نی: کتاب نقد عمر ایشان، بسیار دلنشین و به تعبیری دلی است. نظر شما در این باره چیست؟**

همین‌طور است. پدرم این کتاب را با دلشان نوشته‌اند و به همین دلیل هم بسیار بر دل می‌نشیند. من از طیف‌ها و گروه‌های بسیار متفاوتی شنیده‌ام که این کتاب را دوست داشته‌اند. مدتی در آلمان بودم و کسانی در آنجا به من می‌گفتند: باورمان نمی‌شود که یک روحانی که به مورخ انقلاب بودن مشهور است، در کتاب خاطراتش بنویسد که در بین قوای خارجی که به ایران آمدند، روس‌ها از همه بهتر با مردم رفتار کردند! ایشان در کتاب خاطراتشان به اشغال ایران توسط قوای روس در شهریور ۱۳۲۰ اشاره می‌کنند و می‌گویند: آمریکایی‌ها در این زمینه از همه متجاوزتر بودند و انگلیسی‌ها در رتبه بعدی قرار داشتند، اما روس‌ها این امور را بسیار رعایت می‌کردند. برای کسی که خودش سال‌ها عضو حزب کمونیست شوروی و مترجم بسیاری از کتاب‌های مارکسیستی به فارسی بود، قابل باور نبود که یک روحانی بدون ترس از تبلیغات غرب مسیحی، درباره قوای استالین چنین حکمی بدهد.

**«نی: پدر در روزهای پایانی حیات، چه توصیه‌هایی به شما داشتند؟**

ایشان یک ماه قبل از فوت منزل خود را فروختند و پس از پرداخت قرض‌هایشان، بقیه را بین فرزندانشان تقسیم کردند و مقداری را هم به بعضی از اقوام نیازمند دادند! همه ما با این کار مخالف بودیم و سر در نمی‌آوردیم که چرا این کار را می‌کنند، با این حال ایشان می‌گفتند: «فکر مرا نکنید بالاخره جایی برای زندگی پیدا می‌کنم». مهم‌ترین دارایی ایشان کتابخانه‌شان بود که یک هفته قبل از عید غدیر و در روز عید قربان در مقابل جمع، مرا تکلف کردند که آن را وقف کتابخانه‌ای کنم که مرزین به نام امیرالمؤمنین(ع) است. ایشان همیشه کارهایشان را با مشورت با ما انجام می‌دادند، به همین دلیل عجله و شتاب ایشان برایمان عجیب بود. در مورد کتاب‌های خودشان هم فرمودند: «کتاب‌هایی که زحمت دوندگی ندارند و خود ناشر چاپ می‌کند، حق التألیفش را بین خودتان به طور مساوی تقسیم کنید. آنهایی هم که زحمت دوندگی دارد، هرکسی که دنبالش رفت، حق التألیفش متعلق به خود اوست». <sup>↑</sup>

<b>علی حاتمی</b>	<b>احمد کسروی</b>
<b>فیلمنامه شاعر سینما برای امام خمینی</b>	<b>به امام گفت «تاریخ مشروطه» را بخوان!</b>
<span></span> <p>در دوره‌ای که مدیرعامل بنیاد فارابی بودم، مرحوم علی حاتمی در بستر بیماری بود و من به عیادتش رفتم. در آنجا کتاب «امام خمینی در آئینه خاطره‌ها» نوشته پدرم را دیدم. ایشان همین که مرا دید گفت: «به شما برای داشتن چنین پدری تبریک می‌گویم!» برایم عجیب بود که چه رابطه‌ای بین ایشان و پدر من وجود دارد. معلوم شد که به ایشان سفارش شده که درباره حضرت امام سناریویی بنویسد. ایشان می‌گفت: «کتاب پدر شما مثل یک سناریوی دکوپاژ شده است، ایشان دقیق توضیح می‌دهد که امام از دور می‌آمد، با دست راستش عیایش را جمع کرده بود و دست چپش حرکت می‌کرد، از پیاده‌رو عبور می‌کرد و مثل همیشه نگاهش به زمین بود و... خلاصه با چنان دقتی جزئیات را توصیف می‌کند که من سینماگر نیازی به دکوپاژ ندارم!» در کتاب نقد عمر هم ایشان طوری نوشته‌اند که گویی خودشان مخاطب کتاب هستند. انگار دارند زندگی‌شان را برای خودشان یا خدا بازگو می‌کنند.</p>	<span></span> <p>خودشان می‌گفتند: قبل از شروع نهضت، روزی به امام عرض کردم: حتماً تاریخ مشروطیت کسروی را بخوانند. امام فرموده بودند: او که ضددین است و پدر گفته بودند: با این همه به حقایقی بانهایت دقت اشاره کرده که دیگران نکرده‌اند، البته حقایقی را هم پنهان کرده یا کامل نگفته است! با این همه پدرم حتی از بیان انتقادات خود نسبت به کسانی که به‌شدت به آنها علاقه داشتند هم، پرهیز نمی‌کردند. ایشان اردت و علاقه خاصی به شهید نواب صفوی داشتند، با این همه از بعضی از کارهای او انتقاد می‌کردند.</p>